



نجوم امت (۸) حاج شیخ عبدالکریم حائری (رضوان الله تعالى علیه)

علوم قرآن و حدیث :: نشریه نور علم :: مرداد ۱۳۶۴ - شماره ۱۱

صفحات : از ۱۰۵ تا ۱۱۹

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2437>

دانلود شده توسط : محمد باقری صدر

تاریخ دانلود : ۱۴۰۱/۱۱/۰۲

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- مروری بر زندگی آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی بنیانگذار حوزه علمیه قم به روایت اسناد
- بخش رجال (مرجع دوران‌دیش و صبور آیت الله حائری مؤسس حوزه علمیه قم)
- تاریخ معاصر ایران: آیت الله مؤسس کیست؟ بررسی زندگی آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی
- اندیشه ها و عملکرد آیت الله حائری در احیای حوزه علمیه قم
- مصاحبه با حجة الاسلام والمسلمین دکترسید مصطفی محقق داماد
- جوهر حقوق بشر در نظریه های حقوق طبیعی و حقوق اسلامی
- پنداره نحوست ماه صفر
- علم به مثابه امری مقدس (بررسی آرای دکتر حسین نصر در باب علوم اسلامی)
- بررسی پنج اثر از علی ابوالحسنی (منذر) درباره شیخ فضل الله نوری
- چپستی فلسفه سنت گرایی با تکیه بر آرای دکتر سید حسین نصر: مضامین، دلالت ها و بنیان ها
- تأملی بر سند تاریخی وقف کنیز در دوره قاجار
- مقالات: شرح حال و دوران زندگی آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (م ۱۳۵۵) در کلام آیت الله حاج سید موسی شبیری زنجانی دام ظلّه

عناوین مشابه

- نجوم امت؛ تاریخ حیات شیخ مفید رضوان الله علیه
- نجوم امت(۱۳)؛ مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد قمی معروف به ارباب «رضوان الله علیه»
- نجوم امت (حضرت آیت الله العظمی حاج میرزا حبیب الله رشتی رضوان الله علیه
- مقالات: شرح حال و دوران زندگی آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (م ۱۳۵۵) در کلام آیت الله حاج سید موسی شبیری زنجانی دام ظلّه
- خاطرات آیت الله حاج شیخ محمد علی اراکی از تأسیس حوزه علمیه قم توسط آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری
- مروری بر زندگی آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی بنیانگذار حوزه علمیه قم به روایت اسناد
- نجوم امت(۲۴)(مرحوم آیت الله حاج شیخ محمدحسین کاشف الغطاء)
- به مناسبت یکصدمین سالگرد تأسیس حوزه علمیه قم سیمای موسس حوزه علمیه قم سیره علمی و تبلیغی آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمه الله
- تقریظ آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی بر کتاب کفایة المحصلین نوشته مدرس تبریزی
- ضایعه بزرگ و رحلت آیت الله حاج شیخ مهدی قاضی (رضوان الله علیه)

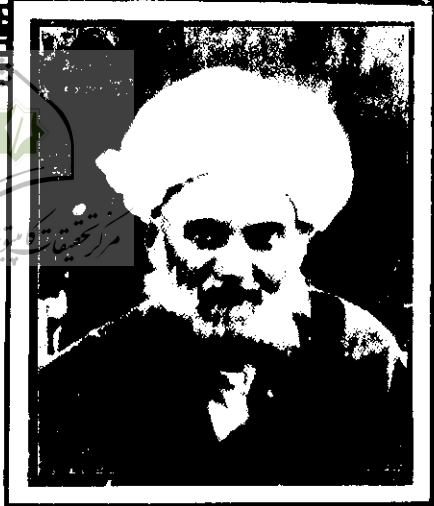
جوه ارمیا

مرحوم آية الله العظمى

حاج شیخ

عبدالکریم حائری یزدی

(رضوان الله تعالى عليه)



در سال ۱۲۷۶ (ه.ق) در روستای مهرجرد^۱ (از توابع میبد یزد) در خانواده‌ای کشاورز و پارسا کودکی دیده بدنیا گشود که بعدها خدمات ارزنده و مهمی به فرهنگ شیعه و جوامع اسلامی نمود. و همچون ستاره‌ای تابنده بر تارک تاریخ اسلام درخشید. این مرد بزرگ که حق عظیمی بر حوزه‌های علمیه شیعه و دانشمندان ما دارد مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری بنیانگزار حوزه مقدسه علمیه قم است.

(۱) ۱۰ فرسنگی یزد



تحصیلات:

ایشان مقدمات علوم را در اردکان یزد، از محضر مجدالعلماء اردکانی و دیگر اساتید آموخت و آنگاه به شهر یزد عزیمت نموده و به مدرسه «خان» راه یافت و در حلقه شاگردان مرحوم حاج میرزا سیدحسین وامق و آقا سید یحیی کبیر (مجتهد یزدی) درآمد و به تحصیل پرداخت.

سپس در سنین جوانی با عزمی راسخ و شوقی غالب برای فراگیری بیشتر، یزد را به مقصد عتبات مقدسه ترک گفته راهی سامراء گردید و از محضر اساتید بزرگی همچون حضرات آیات حاج شیخ فضل الله نوری (شهید مشروطه مشروعه به سال ۱۳۲۷ ه.ق) و مرحوم میرزا ابراهیم محلاتی شیروانی و مرحوم میرزای بزرگ شیرازی (متوفای سال ۱۳۱۲) و مرحوم سید محمد فشارکی اصفهانی (متوفا به سال ۱۳۱۶) و مرحوم میرزای شیرازی دوم (متوفای سال ۱۳۳۸) که از علماء بزرگ آن زمان بودند سالها بهره برد و توشه ها برگرفت. *مرا ت تحقیق کتاب تیز علوم بر دسی*

هجرت به نجف اشرف:

پس از وفات میرزای شیرازی اول (میرزای بزرگ) مرحوم فشارکی به نجف هجرت فرمود و مرحوم حائری نیز با این استاد بزرگ خویش به نجف اشرف رهسپار گردید و ملازم درس ایشان گردید و از آن بزرگوار بالاترین بهره ها را برد. بعد از آنکه استادش بدرود حیات گفت و به دیار باقی شتافت در درس مرحوم آخوند خراسانی صاحب کتاب «کفایة الاصول» (در گذشته به سال ۱۳۲۹) شرکت کرد و از اجلاء و مبرزین حوزه دسی ایشان گردید.

تدریس در کربلا:

معظم له قبل از وفات مرحوم آخوند به کربلا آمد و در آنجا اقامت گزید و



با همت جستن از تربیت پاک شهیدان کربلا، حوزه درسی تشکیل داده و در مدرسه حسن خان به تربیت و پرورش طلاب علوم دینی پرداخت و اقامت ایشان در آن شهر تا سال ۱۳۳۲ قمری به طول انجامید.

بازگشت به ایران:

مرحوم حاج شیخ در اوائل سال ۱۳۳۳ به منظور زیارت مرقد مطهر امام هشتم، علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية والثناء به ایران آمده و به مشهد مقدس مشرف گردید و در آنجا دعوت نامه ای از مرحوم حاج سید اسماعیل (فرزند مرحوم آیت الله حاج آقا محسن عراقی) و دیگران دریافت داشت که در آن از ایشان دعوت شده بود که به سلطان آباد (اراک فعلی) تشریف ببرند و به تربیت اهل علم و محصلین پردازند. معظم له این دعوت را پذیرفت و هشت سال در آن شهر به تدریس فقه و اصول و تربیت طلاب و فضلاء همت گماشت.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

مرجعیت تقلید:

مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی معروف به میرزای کوچک و میرزای دوم ایشان را بزرگ میداشت و به فضل و دانشش اعتراف می نمود و احتیاطات خویش را به ایشان ارجاع می داد و همین امر باعث جلب توجه انظار به شخصیت بلند پایه وی شد تا اینکه مراجع تقلید آن روز شیعه (همچون آیات عظام مرحوم سید محمد کاظم یزدی و مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی و مرحوم شریعت اصفهانی) درگذشتند و بسیاری از مقلدان آن بزرگواران به ایشان رجوع کردند.

ورود به قم:

در ماه رجب ۱۳۴۰ مرحوم آیت الله حائری به قصد زیارت حضرت معصومه



سلام الله علیها و گذراندن ایام نوروزی، سفری به این شهر می کنند و در همین سفر بود که فصل جدیدی در تاریخ دارالایمان قم پدید می آید.

مردم قم که به مقامات علمی و روحانی معظم له واقف شده بودند بعد از شنیدن خبر حرکت ایشان به طرف قم، خود را آماده استقبال از این مرد بزرگ ساختند. در آن استقبال با شکوه که جمعی از علمای قم و مردم پاکدل و علاقمند به اسلام و روحانیت تا ۴ کیلومتری قم (امامزاده جمال) رفته بودند مرحوم آیت الله بافقی مردم را تشویق می کرد که دست از دامن مرحوم حائری بردارند و خواستار اقامت دائمی ایشان در قم گردند.

ایشان تشریف فرما شده و ساعتی در آنجا توقف کردند و مردم نیز خواسته خود را به اطلاع آن جناب رساندند، آنگاه ایشان با تجلیل و تکریم فراوان به شهر وارد شده و در منزل مرحوم آیت الله حاج شیخ مهدی پائین شهری اقامت گزیدند.

آن موقع مقارن با نوروز بود و اقشار مختلف مردم برای زیارت هنگام تحویل وعید نوروز به قم آمده بودند، وقتی از پافشاری و اصرار علماء و مردم شهر دایر بر توقف معظم له اطلاع حاصل کردند با مردم قم هم آوا گشته و خواستار اقامت دائم ایشان شدند.^۱

اما مرحوم حاج شیخ مشکلاتی داشت که ایشان را از پذیرفتن پیشنهاد علماء و سایر طبقات مردم باز می داشت. ولی مردم دست از تقاضای خود برنداشتند، حتی نوشته اند که مرحوم آیت الله شیخ محمد تقی بافقی به ایشان می گوید شما اخباری را که از حضرات معصومین (ع) راجع به آخرالزمان وارد شده دایر بر اینکه قم مرکز علم و دانش خواهد شد (ومنها تفیض العلم الی سایر البلدان) و اینکه در آن زمان، علم در کوفه به زمین فرو رفته و از قم بیرون خواهد آمد^۲، دیده اید؟ فرمودند: آری. می گوید آیا

(۱) مرحوم حاج شیخ محمد سلطان الواعظین که از خطباء زبردست تهران بود و در آن زمان به قم آمده و منبر می رفت در سخنرانیهایش اهالی را تشویق به ادامه فعالیت می نمود تا بلکه بتوانند آن مرحوم را در این شهر نگه دارند.

(۲) سفینه البحار، ج ۲/۴۴۵.



قبول دارید و یا شبهه می کنید؟ فرمودند، قبول دارم، می گوید نمی خواهید که تأسیس این اساس به دست شما انجام گیرد و برای همیشه این سکه به نام شما زده شود و باقیات صالحات شما باشد؟ فرمودند چرا. می گوید تصمیم به توقف بگیریید.

علاوه بر مرحوم بافتی جمع دیگری از علماء و بزرگان قم از قبیل آیت الله حاج میرزا محمد اریاب و آیت الله حاج شیخ محمد رضا ساوه ای و مرحوم حاج سید حسن متولی باشی (متولی حرم حضرت معصومه ع) و حاج میرزا محمود روحانی نیز سعی بر راضی کردن مرحوم حاج شیخ داشتند تا بالأخره مرحوم حائری بنا را در این امر بر استخاره به قرآن می گذارد.

صبحگاهی که به حرم مشرف می شوند استخاره می کنند، این آیه کریمه می آید:
«اذهبوا بقمیصی هذا والقوه علی وجه ابی یات بصیرا واتونی باهلکم اجمعین»^۱.
بعد از استخاره از تردید بیرون آمده و تصمیم خود را مبنی بر اقامت در قم به اطلاع مردم می رسانند و اصحاب و شاگردان ایشان هم که از ماندن استاد خود (در قم) اطلاع یافتند مشتاقانه رهسپار این شهر گردیدند.

تأسیس حوزه علمیه قم:

اولین اقدامی که مرحوم حائری در سال ۱۳۴۰ انجام داد. تأسیس (یا به تعبیر صحیح تر تجدید مرکزیت) حوزه علمیه قم در شرایط دشوار آنروز که تقریباً مصادف با کودتای انگلیسی رضاخان بود، می باشد. رضاخان بعد از تحکیم پایه های قدرت خود تلاش گسترده و همه جانبه ای برای انحلال حوزه نو پای قم، داشت و اگر لطف امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و همت و پشتکار و مقاومت مرحوم حاج شیخ نبود بی هیچ تردیدی اثری از آن زحمات باقی نمی ماند.

(۱) سوره یوسف، آیه ۹۳.



صفات فاضله و اخلاق حسنه معظم له:

در اینجا بطور فهرست وار به برخی از خصائص اخلاقی ایشان (که مستفاد از اظهارات جمعی از شاگردان ایشان است) ، اشاره می کنیم.

درباره ایشان گفته اند که:

مرحوم حائری مرد فوق العاده خوش اخلاق و خوش برخورد بود ظاهر و باطنش یکی بود و طلاب را دوست می داشت و به اهل علم و فضیلت عشق و علاقه عمیق می ورزید او در مجلس، صدر و ذیل نمپی شناخت و همانند سیره حضرت رسول الله (ص) هر جا را که مناسب می شمرد می نشست.

یکی از اعضای محترم جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از قول حضرت امام خمینی نقل کردند که در اراک برسرجا در مجالس، گاه اختلاف می شد و مرحوم حائری در زمانی که در اراک تشریف داشتند برای از بین بردن این سنت سیئه هر وقت وارد مجلسی می شدند، هر جا جایی میدیدند در همان مکان می نشستند و با این روش حسنه خود این سنت ناپسند را بهم زدند.

و یکی از شاگردان معظم له می فرمودند: که ایشان هرگز در خوردن غذا به غذاهای لذیذ توجه ننموده و تعمد داشت که غذاهای ساده و بی خورشت میل کند. او از یک تقوای باطنی سرشار برخوردار بود و بارها می فرمود: «من هرگز برای ریاست و زعامت دست و پا نکرده ام»، و مسئله زعامت خود را انجام یک تکلیف و امانتی الهی می دانست.

از همدوره ای های خود تجلیل کرده و به معرفی آنها می پرداخت.
او حقوق همسر را دقیقاً رعایت میکرد و در زندگی به مسائلی توجه داشت که



معمولاً، افراد از آن غفلت دارند.^۱

و باز ایشان از حضرت امام (مدظله) نقل می کردند که بازار شهر اراک از بازارهای طولانی ایران است و منزل مرحوم حائری در انتهای بازار و محل تدریستان اوائل بازار قرار داشت و وقتی که از منزل عازم تدریس میشدند عبا را بدست گرفته و روی دوش نمی انداختند (این در حالی بوده که عده ای از بزرگان شهر با اطرافیان و تفنگچی حرکت میکردند) و پیاده تا محل درس میرفتند و اگر در بین راه کسی بدنبال ایشان راه می افتاد، می ایستادند و در صورتی که طرف سؤال و یا نیازی داشت آن را برطرف کرده و خود به تنهایی به راه ادامه میدادند.

بازیکی دیگر از فضلاء محترم حوزه نقل میکرد که در اراک، گاهی سر محل امضاء قباله ها و یا برخی اسناد و... بین افراد اختلاف پیدا میشد و مرحوم آقای حائری برای اینکه با این فکر غلط مبارزه کنند، معمولاً پائین همه امضاء ها، امضاء میکردند. ایشان روحیه ایثارگری عجیبی داشت و چندین سال تکفل مخارج یکی از اساتید خود (مرحوم فشارکی) را بعهده گرفت و پس از رحلت استاد نیز با اینکه خود نیازمند بود باز لطف خویش را از خانواده استادش قطع نفرمود.

برخی دیگر از امتیازات آن مرحوم:

از امتیازات مرحوم حائری علاقه فوق العاده ایشان به خاندان پیامبر (ص) بود و در این میان به حضرت سیدالشهداء حسین بن علی (ع) بسیار عشق می ورزید و حتی قبل از تدریس، از مرحوم حاج شیخ ابراهیم صاحب الزمانی تبریزی خواسته بود که روضه خوانی کند و این مرد بزرگ هر روز پیش از درس چند دقیقه روضه می خواند و آنگاه مرحوم حاج

(۱) از آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری نقل شده که ایشان فرموده اند:

«معظم که قبل از اختیار والده ما همسر دیگری داشت که بینائی خود را از دست داده و زمینگیر شده بود، از مرحوم فرید اراکی شنیدم که ایشان مشاهده کرده بود که پدرم بارها با آن سن و سال و موقعیت در موقع نیاز او را به پشت گرفته و بعنوان رفع نیازهای ضروری و تغییر محل، به این طرف و آن طرف یا گاهی در تابستان، شب به پشت بام و روزه سرداب می برده است.



شیخ درس را شروع می کردند.

روضه خوانی مرحوم حائری مخصوص به روزهای درسی نبود، در ایام عاشورا نیز اقامه عزا می فرمود. و در روز عاشورا با هیئتی خاص (با برهنه و گل به پیشانی و صورت مالیده) در دسته های عزاداری شرکت می کرد و به عزاداری می پرداخت و نیز در ایام فاطمیّه دوم (در ماه جمادی الاخره) که عزاداری در ایران مرسوم نبود، با همت ایشان هرسال مجالس عزا بر پامی گردید!

امتیاز دیگر مرحوم حاج شیخ عدم استفاده از بیت المال برای مخارج شخصی الآ بقدرالضرورة بوده است.

نقل می کنند که بعد از فوت ایشان قیمت تمام ااثا بیت خود و دو فرزندش کمتر از هزار و پانصد تومان بوده و مبالغی را نیز مدیون بوده اند.
حضرت امام خمینی به مناسبتی در این مورد فرمودند:

«آن اشخاصی که بیش از بیست و چهار صد تومان در ماه ندارند اینها مفتخورند؟! آن اشخاصی که هزار میلیونشان (هزار میلیونشان یک قلم است) هزار میلیونشان در جاهای دیگر است، اینها مفتخور زیاد نیستند؟ ما مفتخوریم؟ مائی که مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم مان وقتی که فوت می شوند آقا زاده های آن همان شب چیز نداشتند، همان شب شام نداشتند، ما مفتخوریم؟»^۲

فرزندان ذکور آن مرحوم:

از معظم له دو فرزند برومند مانده است که هر یک چون ستاره ای فروزان دنیای علم را روشن نموده اند و از مفاخر عصر ما بشمار می آیند.

۱ - حضرت آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری دامت برکاته از اساتید و

(۱) هرسال در ایام فاطمیّه دوم، توسط ایشان در مدرسه فیضیه مجلس روضه خوانی برقرار می شد.

(۲) از بیانات امام خمینی در مدرسه فیضیه در مورد نقشه های اسرائیل به تاریخ ۱۳/۳/۴۲. صحیفه نور ج ۱ ص ۵۵.



افتخارات بزرگ حوزه علمیه قم.

۲ - حضرت حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ مهدی حائری که قبلاً بعنوان نماینده مرحوم آیه الله بروجردی در واشنگتن فعالیت داشت و فعلاً در تهران ساکن و به تدریس در دانشگاه تهران و تألیف و تصنیف مشغول است.

شاگردان مکتب او:

در حوزه درسی مرحوم حاج شیخ، ستارگان و بزرگان تربیت یافتند که نه تنها در آسمان دانش اسلامی ایران درخشیدند و نورافشانی کردند که پرتو الهی انوار علوم برخی از آن بزرگمردان، سایر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی را نیز فرا گرفت. اینک به پاس قدرشناسی از خدمات بی‌شمار تربیت یافتگان مکتب درسی معظم له به ذکر اسامی معروفترین شاگردان ایشان اکتفا می‌کنیم (که البته در ضمن اهمیت و گستردگی حوزه درسی ایشان نیز روشن خواهد شد).

- ۱ - مرحوم آیت الله العظمی سید محمد تقی خوانساری
- ۲ - مرحوم آیت الله العظمی حاج سید صدرالدین صدر
- ۳ - مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمد حجت کوه کمری
- ۴ - مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمد داماد یزدی
- ۵ - مرحوم آیت الله آخوند ملاعلی معصومی همدانی
- ۶ - مرحوم آیت الله العظمی حاج سید احمد خوانساری
- ۷ - مرحوم آیت الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی
- ۸ - مرحوم آیت الله حاج سید احمد زنجانی
- ۹ - مرحوم آیت الله میر سیدعلی یثربی کاشانی
- ۱۰ - حضرت آیت الله العظمی حاج آقا روح الله موسوی خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران



۱۱ - آیت الله العظمی حاج سید محمد رضا گلپایگانی

۱۲ - مرحوم آیت الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی

۱۳ - مرحوم آیت الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای

۱۴ - مرحوم آیت الله حاج آقا حسن فرید اراکی

وعدۀ زیادی از بزرگان دیگر که بعثت ضیق مقال از آوردن نام مبارکشان

خودداری شد.

تالیفات آن مرحوم:

مرحوم آیت الله حائری آثار علمی وارزنده زیر را از خود به یادگار گذاشته است:

۱ - کتاب الصلاة در فقه. مکرر چاپ شده است.

۲ - تقریرات. این کتاب در اصول فقه و تقریر درس استادش مرحوم فشارکی

(ره) است.^۱

۳ - در الفوائد، که به دررالاصول مشهور شده و حاوی مباحث اصول (غیر از

بحث اجتهاد و تقلید) است، می باشد که نخستین بار جلد اول آن در سنه ۱۳۳۷ و جلد دوم

در سنه ۱۳۳۸ و بعد از آن مکرراً چاپ شده است.^۲

۴ - کتاب الرضاع^۳

۵ - کتاب الموارث

۶ - کتاب النکاح^۴

آثار خیریه:

مرحوم حائری، تنها مؤسس حوزه نبود که یکی از مراجع تقلید شیعیان زمان خویش نیز بود

(۱) الذریعة ج ۴ ص ۳۷۸.

(۲) الذریعة، ج ۸، ص ۱۱۸.

(۳) مشاهیر دانشمندان اسلام ج ۴ ص ۳۶۹.

(۴) ریحانة الادب ج ۱، ص ۳۲، احسن الودیعة ص ۲۶۹.



و با همه مشکلاتی که حوزه نوبنیاد قم داشت لحظه‌ای از فکر مردم و رفاه حال مستمندان غافل نبود و در همین رابطه بود که به هنگام قحطی به تأسیس دارالاطعام همت گماشتند و اقدامات دیگری نیز داشت که اثر برخی از آنها هم اکنون نیز باقی است، از قبیل:

ساختن قبرستان نو در کنار رودخانه.

تعمیر مدرسه فیضیه و ساختن طبقه‌های فوقانی آن.

تأسیس کتابخانه مدرسه فیضیه.

تأسیس بیمارستان «سهامیه»^۱ (از ثلث مرحوم سهام الدوله).

سدّ رودخانه قم، که پس از جریان سیلی ویرانگر و پرخسارت به همت ایشان و کمک مردم قم ساخته شد.

بناء قلعه مبارک آباد بمنظور اسکان سیل زدگان سال ۱۳۵۳.



پاسخ به یک سؤال:

مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

ممکن است این سؤال پیش آید که «چرا رئیس و مؤسس حوزه علمیه قم مرحوم آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، با حکومت جبار و خودکامه رضاخانی به مخالفت برخاست و در ماجرای قیام علمای تبریز و علمای مهاجر اصفهان و دیگر شهرهای ایران و قیام آیت الله آقا حسین قمی با آنها همکاری و معاضدت نکرد؟»

در پاسخ از این سؤال می‌گوئیم مرحوم آیت الله حائری پس از رنج بسیار در آن ایام به تازگی حوزه علمیه قم را در ایران دائر کرده بود، و رضاخان و قدرت جهانی او را به خوبی می‌شناخت به خصوص آن موقع رشد سیاسی مردم چندان بالا نبود که بتوان مبارزه کرد.

از این رو آیت الله حائری دچار باب تراحم و موضوع اهم و مهم شده بود. به این معنی که امر دایر بود بین اینکه با رضاخان درافتد و مردم با قتل عام مانند مسجد گوهرشاد

(۱) این بیمارستان در سال ۱۳۵۳ قمری بنا شده است. تاریخ قم ص ۲۷۶.



مواجه شوند، و بقیه صحنه را رها کنند و روحانیت شیعه به کلی شکست بخورد و سازمان حوزه علمی قم برچیده شود، یا اینکه با رضاخان بطور کجدار و مریض سرکند تا بتواند با اداره و ادامه کار حوزه علمی قم، علما و فقها و مجتهدین و مردانی مجاهد و مبارز برای آینده ایران و دنیای اسلام تربیت نماید. آیت الله حائری با صبر سیاسی و دوراندیشی مخصوص به خود، شق دوم را انتخاب کرد و دیدیم که در تمام دوره رضاخانی حوزه علمی قم را با همه تحمیلات و فشارهای حکومت رضاخان به خوبی اداره کرد و از همین حوزه بود که زعیم عالیقدر امام خمینی و سایر مراجع کنونی قم به عنوان شاگردان آیت الله حائری برخاستند، و در نتیجه طومار سلطنت پنجاه و هشت ساله پهلوی درهم پیچیده شد. لابد خوانندگان اطلاع دارند که رضاخان تنها یک سفر به خارج از مملکت نمود و آن هم سفر به ترکیه و ملاقات با مصطفی کمال آتاتورک رئیس جمهوری ترکیه بود.

رضاخان در این سفر از آتاتورک شنید که چگونه روحانیت ترکیه را از میان برد تا توانست ملت ترک را غربی بار آورد و اسلام را متروک سازد و حتی نماز و اذان را به ترکی برگزار کند، و خط ترکی را که ترکیبی از عربی و فارسی بود به لاتین برگرداند. آتاتورک به رضاخان همپالکی خود توضیح داد که برای غربی کردن مسلمانان،

بی حجاب نمودن زنان، آزاد گذاشتن و بی دینی مردم، یک راه حل وجود دارد و آن هم قطع نفوذ روحانی پیشوایان دینی مردم است، و او این کار را کرده است، بطوری که دیگر هیچ فرد روحانی در ترکیه وجود ندارد و حتی پوشیدن لباس روحانیت نیز در آن کشور جرم است! رضاخان این خیالات را در سر می پروراند، و آماده بود که اگر مرکز روحانیت یعنی حوزه علمی قم و رئیس و مرجع روحانی ایران، آیت الله حائری در مقابل اوقیام کردند با آنها همان کند که کمال آتاتورک کرد، و دیدیم که در مقابل اقدام علماء بر سر ممانعت از بی حجابی اجباری زنان ایران و اتحاد شکل، هزاران مرد و زن با حجاب را در مسجد گوهرشاد و کنار مرقد مطهر امام هشتم (ع) به گلوله بست و قتل عام کرد.



ولی واقع بینی و دوراندیشی آیت الله حائری مرجع اعلاى ایران نقشه اساسی او را به منظور محو و نابودی روحانیت ایران که نقشه شیطانی او به سبک کمال آتاتورک بود، نقش برآب کرد. نتیجه آن شد که پس از شصت سال هنوز آثار شوم غربزدگی و اسلام زدائی کمال آتاتورک در ترکیه باقی است، ولی مردی که از حوزه علمیه آیت الله العظمی حائری برخاست دودمان رضاخان را به باد فنا داد، و رژیم پوسیده ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را به زباله دان تاریخ انداخت.^۱

کشف حجاب:

آن مرحوم زمانی که از قصد شوم استعمار مبنی بر کشف حجاب در ایران اسلامی توسط رضاخان با خبر شد اشاره به رگهای گلوی خود کرده و فرمود:
«تا پای جان باید ایستاد و من هم می ایستم ناموس است، حجاب است، ضروری دین و قرآن است».

مرکز تحقیقات مطبوعات علوم و معارف

و در این رابطه برای اتمام حجت - با اینکه از بلادت و ردالت فوق العاده مجری این طرح ننگین آگاه بود - تلگرافی برای رضاخان فرستاد که در آن آمده بود:
«می شنوم اقدام به کارهائی می شود که مخالفت صریح با طریقه جعفریه و قانون اسلام دارد که دیگر خودداری و تحمل برابم مشکل است».^۲

مرحوم حائری در زندگی سختیهای فراوان دید، چه در آن زمان که تحصیل میکرد و چه آن زمان که حوزه علمیه را بنیان گذاشت و در تعلیم و تربیت طلاب علوم دینی می کوشید.

مرحوم حاج شیخ به توپ بستن آستان قدس رضوی و مسجد گوهر شاد و قتل عام بیگناهان و دفن دستجمعی آنان و کشف حجاب بانوان و سختگیریهای دیگر رضاخان را

(۱) نهضت روحانیون ایران، ج ۲، ص ۳۳۳ تا ۳۳۵. با تصرف اندک

(۲) آثار الحجة ج ۱ ص ۵۱ و همین نویسنده می گوید: مرحوم آیت الله حاج میرزا خلیل کمره ای بعلمت اینکه حامل این

تلگراف بوده توقیف و تبعید شد.



می دید ولی چون شرایط آماده نبود نمی توانست قیام کند ولذا معمولاً لب فرو بسته ورنج می برد.

معظم له که آن فجایع را از حکومت دیکتاتوری رضاخان مشاهده می کرد وامکانات لازم برای یک نهضت موفق را نداشت غصه می خورد و با نامالیقات دست و پنجه نرم می کرد تا عاقبت الأمر در سن ۸۳ سالگی بیدار باقی شتافت.

بعد از انتشار خبر ارتحال این عالم بزرگ با وجودی که تشییع جنازه و تظاهرات و مظاهر دین و شعائر مذهبی ممنوع بود کلیه طبقات مردم شیون کنان و برسرو سینه زنان بیرون آمده و جسد آن بزرگوار را بگونه ای بی سابقه، تشییع کردند و بعد از برگزاری نماز به امامت مرحوم آیت الله حاج میرزا فخرالدین قمی (شیخ الاسلام قم) در جوار مرقد مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها در مسجد بالاسر به خاک سپرده شد.

بر سنگ قبر او اشعار زیر را که مرحوم آیه الله سید صدرالدین صدر (متوفای

۱۳۷۳) در رثای او سروده است می خوانیم: *پتور علوم سردی*

وانحل من سلك العلوم عقده	عبدالکریم آیت الله قضی
وهدارکان المعالی فقلده	اجذب ربع العلم بعد خصبه
وبعده امست یتامی ولده	کان لاهل العلم خیر والد
دهراً و غاب الیوم عنه سعده	کوکب سعد سعد العلم به
بسهمه یا لیت شلت یده	فی شهرذی القعدة غاله الردی
شهرالحرام کیف حل صیده	فی حرم الائمة الاطهار فی
لدى الکریم حل ضیفا عبده(۱۳۵۵) ^۱	دعاه مولاه فقل مورخا

وهم اکنون مضجع شریف ایشان، مورد توجه مسلمانان است.

جزاه الله عن الاسلام والمسلمین خیر الجزاء

(۱) آثارالحجة ج ۱ ص ۶۸.



کتابهایی که در تنظیم این شرح حال بدانها مراجعه شده است

- ۱- طبقات اعلام الشيعة قسم ثالث از جزء اول/ ۱۱۵۸
- ۲- الذريعة ج ۸/ ۴.
- ۳- معجم رجال الفكر والادب في النجف خلال الف عام/ ۴۷۵
- ۴- ریحانة الادب ج ۱/ ۶۷
- ۵- میرزای شیرازی ۱۵۶
- ۶- مشاهیر دانشمندان اسلام ج ۴، بخش استدراکات/ ۳۶۸
- ۷- آئینه دانشوران
- ۸- آثارالحجة جزء اول
- ۹- خاطرات زندگانی آیه الله العظمی آقای بروجردی/ ۴۰
- ۱۰- صحیفه نور ج ۱/ ۵۵
- ۱۱- احسن الودیعة/ ۲۶۹
- ۱۲- تاریخ قم/ ۲۷۶
- ۱۳- یکصد سال مبارزه روحانیت مترقی ج ۳/ ۴۴
- ۱۴- التقوی وما ادریک ما التقوی رازی
و برخی مجلات
بقیه پاورقی شماره ۲ صفحه ۱۰۸



مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

عن الصادق (ع) انه ذكر الكوفة وقال استخلوا الكوفة من المؤمنين و يارز عنها العلم كما تارز الحية في حجرها ثم يظهر العلم ببلدة يقال لها قم و تصير معدنا للعلم والفضل...